خلیج فارس در صحنه سیاست بین المللی

سر ارنولد ویلسن

امیری، مهراب

با قیافه‏ای باز و لحنی آرام و متین گفتند:باور کن مدتهاست که در دل آرزوی حصول چنین‏ مقصودی را می‏پرورانم،میل دارم اوصاف تنگدستی‏ها،ناامنی‏ها و سیه‏روزی‏های ایامی را که‏ من بچشم مشاهده کرده‏ام معاصران بویژه جوانان این دیار بخوانند و بدانند مگر از این‏ رهگذر به خدمات بزرگی که اعلیحضرت رضا شاه کبیر نسبت به ملت و مملکت کردند بیشتر آشنا شوند و با احساس مسئولیت و به تبع آن اعمال مسئولیت،چنانچه درخور است شکر نعمتهای‏ موجود را ادا نمایند در همین اثنا«غلام»مستخدم و راننده نواب از راه رسید و گفتگوی ما قطع‏ شد.من خداحافظی کردم و ایشان نیز با بذل عنایت و تفقد نسبت به من عازم منزل شدند در این هنگام فرصت مناسبی که مدت‏ها بود در پی آن بودم بدست آوردم و از این بابت بسیار شادمان گشتم،بی‏درنگ یک دستگاه ضبط با وسایل لازم مهیا کردم چند دفتر یادداشت هم‏ تهیه نمودم،سپس به منزل دوست دیرین و چون جان عزیز آقای محمد علی عسگری کامران‏ رفتم و با عنوان کردن موضوع از ایشان مدد خواستم تا مرا در راه پرداختن به امر مهمی که در پیش داشتم همراهی کند.با این ترتیب مقدمات امراز هر جهت فراهم شد و شامگاه روز شنبه بیست و سوم فروردین‏ماه امسال با تعیین وقت قبلی هر دو در منزل نواب‏ حضور یافتیم.در واقع کار اصلی از آن هنگام شروع شد.نواب اکثر اوقات در بستر آرمیده‏ بودند،کبرسن و ضعف مزاج امکان نمی‏داد که بنشینند و گفتگو کنند.هر بار نیزکه از گذشته‏ها سخن بمیان می‏آوردند بیش از ده دقیقه تاب تکلم مداوم نداشتند.اما قدرت روحی‏ و ارادی و قوت حافظهء نواب شگفت‏انگیز می‏نمود.گوشه‏هایی از تاریخ زندگی و خدمات‏ محمد تقی خان و فرزند غیرت‏مندش عبد الرضا خان را که جد مادری نواب بود از زبان اسلاف‏ بیان می‏کردند.درباره خاطرات زمان صباوت و رفتن به مکتب و اوضاع مکتب و شیوه تعلیم‏ و تربیت در آن روزگار،حوادث رقت‏بار در دوره حکومت شاهزاده جلال الدوله فرزند ظل- السلطان همچنین در خصوص نکته‏های بسیار جالب و شنیدنی در طی دوران نمایندگی مجلس یا بعضی اشعاری که بمناسبت‏های گوناگون پرداخته بودند سخنانی ایراد کردند و اوصافی بیان‏ نمودند که اکثر آن‏ها را روی نوار ضبط کردم.هربار که خدمت ایشان می‏رسیدم به محتوای‏ بیانات و اشارات گذشته یادآوری می‏کردم و ایشان به اقتضای حال و حوصله خویش رشته‏ سخن را ادامه می‏دادند که یا ضبط می‏شد یا با سرعت یادداشت می‏گردید.قرار بود عصر روز چهارشنبه 24 اردیبهشت در خصوص یکی از خاطرات غرورانگیز خود که افتخار التزام‏ رکاب اعلیحضرت رضا شاه کبیر را داشتند سخن بگویند و نکته‏هایی از یک گزارش جامع را که‏ جوانی ترکمن بعنوان سپاس بعرض مبارک اعلیحضرت می‏رساند توصیف نمایند،اما افسوس‏ که توفیق حصول چنین مقصودی دست نداد زیرا بامداد روز سه‏شنبه 23 اردیبهشت ناگهان‏ قاصد تقدیر دررسید و منشور حق را ابلاغ کرد و متعاقب آن نواب بسبب اختلالات داخلی‏ و بدون سابقه قبلی دستخوش انقلاب حال گشتند و درحالی‏که دست در آغوش مستخدم باوفای‏ خویش«غلام»کرده و بر رویش بوسه‏ها می‏زدند و از زحمت‏های چندین ساله‏اش عذرخواهی ها می‏کردند با طمأنینه و آرامش کامل چشم از جهان فروبستند.با این ترتیب آهنگ پایان یک‏ قرن زندگی مردی شریف و عزیز و وطن‏پرست را موزیک عزا نواخت.در اینجا ابیاتی را که نگارنده در رثای این آزاده مرد میهن‏دوست و شاه‏پرست و صاحب شرافت پرداخته است‏ زیب این سطور می‏سازد.

از قرن نوزدهم می‏توان مبدأ تاریخ و عصر اعزام مسیون‏های سیاسی خارجی بدربار ایران نام برد.در این قرن دولت انگلیس و بعضی از کشورهای از اروپائی کوشیده‏اند که از دو سوی نفوذ خود را در منطقه خلیج فارس گسترش دهند و همین اعمال نفوذها زمینه یک سلسله‏ رقابت‏های سیاسی و نظامی را در این منطقه از جهان بوجود آورد.

اولین میسیون انگلیسی بسر- پرستی سر جان ملکم در سال 1799 از طرف فرمانفرمای هندوستان‏ بمنظور ایجاد عقد یک قرارداد دوستی‏ وارد تهران شد سر جان ملکم در این مأموریت با انعقاد یک قرارداد مودت بمنظور جلوگیری از نفوذ فرانسویها در تهران و خلیج فارس‏ موفقیت‏هائی بدست آورد.

در سال 1802 فرانسویها یک‏ پیشنهاد همکاری و دوستی تسلیم دولت‏ ایران نمودند که این تقاضا با استقبال‏ سرد مقامات ایرانی مواجه شد و همچنین در سال 1803 آنها کوشش- هائی برای ایجاد نمایندگی در مسقط نمودند که آنهم با ناکامی مواجه‏ گردید.

در سال 1807 که فتحعلی شاه‏ این کتاب در سال 1928 نوشته شده و نویسنده که از مأموران دولت بریتانیا در شرق و از عمال استعمار بوده است با زیرکی خاص مطالب خود را به رشته تحریر آورده است. روز و روزگار کشور ایران و بریتنیا از آن زمان تاکنون دگرگون شده.انگلستان درگیر حوادث داخلی و خارجی و ایران کشوری مستقل و در حد اعلای غنا و بی‏نیازی است.خدای‏ همگان را توفیق و یاری دهاد.